

## قصه تکراری

روزی روباهی می رود پیش کلاغی و می گوید: به به. عجب دمی، عجب پایی!!



**روزی روباهی می رود پیش کلاغی و می گوید: به به. عجب دمی، عجب پایی!!**

**کلاغ با خونسردی می گوید: کجای کاری بابا! من خودم دوم راهنمایی ام.**